



### خرد سیاسی در زمان توسعه نیافتگی

این کتاب متضمن خلاصه مطالبی است که در ده پانزده سال اخیر توسط رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم نوشته شده است. نویسنده در مقدمه مفصل کتاب با تأکید بر اینکه قصد تلخیص نداشته است می نویسد «وقتی اوراق حروفچینی رساله را می خواندم متوجه شدم که دارم جوهر آنچه را که قبلاً در باب علم و عقل و اخلاق و سیاست و جامعه نوشته ام بازمی گویم. اگر می بینید که این نوشته ها موجزتر است و ابهام های بسیار دارد نباید مایه تعجب شود زیرا خلاصه مطالبی است که در اصل موجز بوده است. این ایجاز و ابهام در نظر من اهمیت ندارد زیرا من نمی نویسم که دانسته های خود را به دیگران بیاموزم.

نوشتن برای من آزمایش و کوششی است برای شناختن وضع خودمان و جایگاهی که داریم و شرایطی که در آن به سر می بریم. من بیشتر سعی می کنم که خود چیزی دریابم نه اینکه درسی به دیگران بیاموزم. من چون یک آزمایشگر و در آزمایش هایم دیده ام و می بینم که ما در مسائل مدیریت و آموزش و پرورش و اقتصاد و تکنولوژی و فرهنگ و بطور کلی در کارهایمان چنانکه شایسته است، نمی اندیشیم و به تکرار حرف های مشهور و شایع درباره آنها اکتفا می کنیم می خواهیم بدانم چرا نمی خواهیم بدانیم مشکلاتمان چیست و از کجاست و چگونه می توان آنها را رفع کرد». ایشان ادامه می دهد «در طی یکصدسال تاریخ تجددمآبی تقریباً تمام لوازم مادی نظم تجدد را اخذ کرده ایم اما شاید همه را در جای خود قرار نداده باشیم و به این جهت این اشیاء و سازمان ها و لوازم کارکردی که باید داشته باشند، ندارند». دکتر داوری اردکانی اشاره می کند که ما نمی توانیم بررسی و تحقیق کنیم که چه آموزش و پرورش و چه مدیریت و چه تکنولوژی ای می خواهیم و می توانیم داشته باشیم و می افزاید که به نظر من وجهش این است که با نگاه مکانیکی و اتمیست (جزئی بین و جدا انگار) به امور نگاه می کنیم و وجود خود و خرد و دانشمان را جدا و مستقل از وضع تاریخی می-انگاریم و گاهی خواسته ها و آرزوها را با مسائل اشتباه می کنیم. پیداست که همه ما طالب زندگی بی دردسر و بی مشکل و بهشت

آسایش هستیم و می خواهیم همه مشکل ها به آسانی و بدون زحمت رفع شود البته بعضی از آنها را می توان رفع کرد ولی مسائل سهل و آسان را باید شناخت و وجه امتیازیشان را با مشکلاتی که به آسانی رفع نمی شود دریافت. وقتی از دشواری کارها و راه ها می گویم می گویند حرف های نومیدکننده می زنم. آیا سهل انگاشتن کارهای دشوار، امیدواری است؟ امید با تفکر و صبر و عزم ملازمت دارد. این گمان که هر کس در هر جا و هر وقت از عهده هر کاری بر می آید امیدواری نیست، بلکه ساده لوحی است. امید با خرد و توانایی در عمل پدید می آید و هر کاری در وقت مناسب و با فراهم شدن شرایط انجام می شود. امر بسیار دشوار فهم شرایط تاریخی و تاریخی بودن عقل است و مخصوصاً اینکه مسائل هر دورانی و جهانی را باید با عقلی که با آن مناسبت و سنخیت دارد شناخت. اکنون زندگی در سراسر روی زمین، متجدد یا متجددمآب شده است. به عبارت دیگر تاریخ تجدد اکنون تاریخ همه مناطق جهان است هرچند که بهتر است بگوییم بسیاری از اقوام جهان در حاشیه تاریخ تجدد قرار گرفته اند. بنابراین مسائل توسعه و فرهنگ و دانش و سیاست را بی رجوع به عقلی که در قوام تجدد دخیل بوده است و با عقل شایع همگانی نمی توان دریافت. به این جهت من هم که دانشجوی فلسفه ام با نگاه فنومنولوژیک به جهانی که در آن به سر می بریم و به وضع خود و کشور و مردمی که به آنها تعلق داریم می اندیشم و می-کوشم معنی گفتار و رفتار و آداب و اعتقادات مردمان و وضع علم و سیاست و تدبیر و تعلیم و تربیت و نظام امور کشور و آثار و نتایج مترتب بر آنها را دریابم. اگر کسی بگوید این حرف ها خودگویی های یک دانشجوی فلسفه در انزوای تنهایی استحقاقی اما خودخواسته خویش است، من حرفی نمی زنم. اما برایم مثل روز روشن است که با تکرار حرف ها و کارهای هر روزی دیگران، به هیچ جا نمی توان رسید.

رئیس فرهنگستان در پایان مقدمه کتاب می نویسد: «من مشکل نمی نویسم بلکه زمان، زمان مشکلی شده است. با سهل-انگاشتن این زمان و زمانه چیزی آسان نمی شود ولی وقتی تاریخ دوپست سال ناتوانی در هیاهوها و داعیه های گوناگون پوشیده می ماند و کسی به حاصل آن نمی اندیشد تذکر امثال من چه سود دارد؟ خرد در زمان توسعه نیافتگی علیل می شود زیرا این زمان -اگر بتوان آن را زمان ناامید- برای رشد و شکوفا شدن خرد مناسب نیست. به این جهت است که تخم استعدادها در زمین آن تپاه می شود. همیشه و در همه جا امثال سوفوکل و سقراط و هیپوکراتس و فردوسی و بیرونی و ابن-سینا و شکسپیر و دکارت و ... هستند اما هر زمین و هوایی مستعد و مهیای پرورش آنها نیست. جهان توسعه نیافته باید به عقیم بودن زمانش تذکر پیدا کند. در این جهان اهل دانش و منسوبان به عقل و دانایی نمی توانند و نباید به برهوت ابتدال تسلیم شوند. اهل فلسفه نیز نباید آنچه را که درمی یابند کتمان کنند. کار جهان دیگر با سیاست یا به صرف اتخاذ تدابیر سیاسی به صلاح نمی آید. با این رأی و نظر است که من دیگر شعار سیاسی نمی دهم و به پیروی از شاعر بزرگ در انتظار دگرگونی در تفکریم:

کجاست فکر حکیمی و رأی برهمنی»

مزاج دهر تبه شد در این بلا حافظ

کتاب «خرد سیاسی در زمان توسعه نیافتگی» علاوه بر مقدمه مشتمل بر 17 فصل است که عناوین فصل های آن عبارتند از:

- جهان توسعه نیافته و اوصاف اهل آن

- از فلسفه چه کاری برمی آید؟

- نیاز به علوم انسانی در جهان در راه توسعه

- سیاست و اعتدال

- زندگی و سیاست در جهان توسعه نیافته

- سیاست قدیم و سیاست جدید

- سیاست و فرهنگ تجدد

- سیاست و مدیریت نظم جهان

- کار و سیاست

- کارکرد سیاست در نیم قرن اخیر

- عقل در زندگی و سیاست کنونی جهان

- عقل و اعتدال

- آیا سیاست را می توان آموخت؟

- نهضت های دینی اخیر و دینی شدن سیاست

- امر سیاسی و فهم تاریخی

- ناهمزمانی در جهان کنونی؛ زمینه ساز خلط مسائل سیاسی و تاریخی است.

- دشورای سیاست اعتدال در شرایط استعمارزدگی و توسعه نیافتگی

این کتاب در زمستان سال جاری در 360 صفحه به تعداد 1100 نسخه توسط انتشارات سخن به چاپ رسیده است.